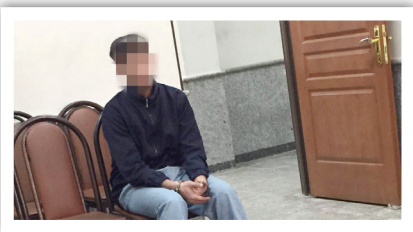


ادعای عجیب مرد کودک‌ربا در دادسرای جنایی



«چند کودک در حال بازی بودند و من چون تحت تأثیر مواد بودم، تصور کردم آنها خواهرزاده و برادرزاده هایم هستند؛ به همین دلیل به سمت‌شان رفتم تا آنها را به خانه‌هایشان ببرم.» این ادعای عجیب یک مجرم سابقه دار است که نقشه کودک‌ربایی در سر داشت اما با هوشیاری و اقدام بموقع زنی جوان که شاهد ماجرا بود، نقشه‌اش ناکام ماند و دستگیر شد.

به گزارش همشهری، صبح دیروز زنی جوان با ۱۱۰ تماس گرفت و وقتی اپراتور پاسخ داد، گفت: «پسری جوان در حال ربودن چند کودک است؛ لطفاً مأمور بفرستید تا دستگیرش کنند.»

اپراتور، زن جوان را به آرامش دعوت کرد و از او آدرس گرفت؛ خیابانی در جنوب پایتخت، بلافاصله تیمی از مأموران راهی محل مورد نظر شدند و مرد جوان را دیدند که در حال کشیدن چند دختر و سرپریچه در خیابان بود. بچه‌ها فرادی می‌کشیدند که در آن شرایط مأموران وارد عمل شدند و مرد کودک‌ربا را دستگیر کردند و نقشه این آدم ربایی را ناکام گذاشتند.

زن جوان که شاهد ماجرا بود، به مأموران گفت: لحظاتی قبل برای خرید از خانام خارج شدم که در نزدیکی خانه مان ۲ دختر ۳ و ۳ ساله را دیدم که در حال بازی بودند. ناگهان مردی جوان به سمت آنها هجوم برد. او رفتارهای عادی نداشت و ابتدا تصور کردم ماسکی به‌صورت زده و قصد ترساندن بچه‌ها را دارد اما بعد دیدم دست و پای آنها را به زور گرفته و قصد دارد بچه‌ها را با خودش ببرد. صدای جیغ و فریاد بچه‌ها به آسمان بلند شده بود که من برای نجات بچه‌ها به سمت‌شان رفتم تا آنها را از دست مرد کودک‌ربا نجات دهم اما ناگهان با چاقو به‌دیم کرد و گفت اگر از آنجا دور نشوم با ضربات چاقو جانم را می‌گیرد، من هم از ترسم آنجا را ترک کردم اما فوراً با پلیس تماس گرفتم.

وقتی مأموران در محصل در حال تحقیق بودند، بچه‌ها که از ترس‌شان زیر ماشین‌ها پناه گرفته بودند، بیرون آمدند. درحالی‌که وحشت زده بودند و می‌لرزیدند، کمی آنطرف‌تر هم دختر بچه ۱۵ساله‌ای ایستاده بود که رنگ صورتش به سفیدی گچ و شوکه شده بود. ظاهراً مرد جوان، قصد داشته با بستن دست و پای این دختر با طناب، وی را با تهدید یا خودش ببرد چرا که بچه‌ها را دیگر از دست مرد کودک‌ربا فرار کرده و زیر ماشین‌ها مخفی شده بودند. خوشبختانه این آدم ربایی با هوشیاری زن جوان و حضور بموقع پلیس ناکام ماند و مرد کودک‌ربا نیز دستگیر شد. در ادامه تحقیقات مشخص شد که متهم یک مجرم سابقه دار و پیش از این به اتهام آدم‌ربایی و لواط دستگیر و زندانی شده بود. وی صبح دیروز به دادسرای جنایی تهران منتقل شد و وقتی مقابل بازپرس جنایی تهران قرار گرفت ادعای عجیبی را مطرح کرد. وی گفت: در حال گذر از خیابان بودم که چشمم به چند پسر و دختر بچه افتاد. آنها سرگرم بازی بودند و یک لحظه تصور کردم آنها خواهرزاده و برادرزاده هایم هستند. با خودم گفتم که چرا بدون پدر و مادر هایشان در حال بازی هستند و باید آنها را فوراً به خانه هایشان ببرم. وی ادامه داد: مواد کشیده بودم و حالت عادی نداشت. توهم به سراغم آمده بود و می‌خواستم بچه‌ها را کشان کشان به خانه خواهر و برادرهایم ببرم؛ درحالی‌که آنها بچه‌های غریبه بودند. این متهم پس از مطرح کردن این ادعای عجیب بازداشت شده و تحقیقات از او ادامه دارد.

جزئیات تازه از مرگ یک متهم در دادگاه انقلاب

چند روز پس از مرگ یکی از متهمان امنیتی هنگام محاکمه در دادگاه انقلاب شماری از شاهدان حادثه از جمله وکیل مدافع متهم جزئیات تازه‌تری از چگونگی وقوع این حادثه را بازگو کردند. به گزارش همشهری، به نقل از مرکز رسانه قوه قضاییه، روز شنبه ۱۱ آبان ماه ۱۴۰۲، دادگاه رسیدگی به اتهامات متهمی به نام سعید خادمی ۲۲‌سوم دیگر بود که در دادگاه انقلاب تهران برگزار شد؛ درحالی‌که این متهم بازداشت نبود و از منزل خودش پرونده بود ناگهان این مرد بد حال شد و با وجود انجام اقدامات درمانی جانش را از دست داد.

به‌دلیل این حادثه برخی رسانه‌های معاند اعلام کردند که پزشک مستقر در دادگاه انقلاب دیر بر بالین این فرد حاضر شده است. این ادعا در شرایطی مطرح شد که یک مقام مسئول در دادگاه انقلاب تهران بار دین ادعا جزئیات بیشتری از این حادثه را بازگو کرد و گفت: طبق صورت‌تجسه دادگاه متهم ساعت ۹:۲۳ دقیقه حالش بد شد و براساس تصاویر دوربین‌های مدار بسته دادگاه با شروع اقدامات پزشکی از طرف پزشک مستقر با اورژانس نیز تماس گرفته شد که امدادگران اورژانس نیز ساعت ۹:۲۸ دقیقه به محل رسیدند.

از سوی دیگر سورا عسکری راد، وکیل متوفی نیز در این باره گفت: در جلسه دادگاه ۳۰مهم حضور داشتند که بنده و پدرم به‌عنوان وکلای سعید خادمی و ۲ وکیل دیگر نیز به‌عنوان وکلای ۲۹ متهم دیگر در دادگاه حضور پیدا کردیم. جلسه رسیدگی در شعبه ۲۹ دادگاه انقلاب تهران تشکیل شد، برخورد قاضی و مدیر دفتر شعبه بسیار خوب بود و جودادگاه اصلاً متشنج نبود. قبل از شروع دادگاه چندین بار به موکلم تأکید کردم که قاضی شعبه ۲۹ احکام سنگین صادر نمی‌کند و نسبت به حکم صادره نگرانی نداشته باشد. او ادامه داد: در جلسه دادگاه موکلم دوم نفی بود که باید از خود دفاع می‌کرد، اما قبل از پاسخ به سؤال دوم قاضی، حالش بد شد و بر زمین افتاد. پزشک مستقر در دادگاه انقلاب بلافاصله در جلسه حضور پیدا کرد و اورژانس نیز بموقع رسید، ولی احیا فایده‌ای نداشت و متأسفانه موکلم فوت شد.

۲۷ خانه پلاک قرمز پلمب شد

رئیس پلیس پایتخت از اجرای طرح برخورد با خانه‌های پلاک قرمز در محلات شوش، مولوی و هنرندی خبرداد. به گفته سردار محمدیان، ۲۷ خانه پلاک قرمز شناسایی و پلمب شدند و در طرح پاکسازی مناطق شوش، مولوی و هنرندی معناتاد متجاهر جمع‌آوری و موادفروشان نیز دستگیر شدند.



محمد طاهاه که برای نجات ۴ نفر جانش را به خطر انداخته بود برای درمان، نیازمند کمک مسئولان است

روزهای تلخ قهرمان کوچک

گزارش

رضانیک نام

روزنامه‌نگار

ساکنان شهرک فرهنگیان شهرستان صفاشهر شیراز هجدهم بهمن‌ماه سال ۱۹۹۱ را هرگز فراموش نمی‌کنند؛ روزی که آتش‌سوزی در یک خودروی ون که چند کودک و نوجوان در آن محبوس شده بودند، آنها را تا یک قدمی مرگ برد و اگر محمد طاهای ۹ساله نبود، تبدیل به فاجعه‌ای دردناک می‌شد. آن روز محمدطاه‌ها جانش را به خطر انداخت تا جان ۴نفر را نجات دهد و در حالی که خودش دچار سوختگی شده بود، تبدیل به قهرمان شهر شد اما حالا که ۳سال از حادثه گذشته، هنوز داغ این سوختگی او و خانواده‌اش را ازار می‌دهد و آنها از اینکه در این مدت وعده‌های داده شده برای کمک به محمدطاه‌ها بی‌نتیجه مانده، گلهمندند.

به گزارش همشهری، محمدرضا آرمند، پدر خانواده، کارگر معدن سنگ قافرآباد صفاشهر است و با حقوق بخور و نمیر کارگری در معدن، امور زندگی زن و ۳فرزندش را می‌گذراند؛ محمد حسین ۱۲ساله، محمد طاه‌ها ۱۱ساله و آتنا ۳نیم‌ساله. او روز حادثه را به خوبی به یاد دارد؛ روزی که یکی از همسایه‌ها با او تماس گرفت و از اتفاق هولناکی گفت که برای محمدطاه‌ها که در آن زمان ۹سال بیشتر نداشت، رخ داده بود. پدر خانواده، خبر را که شنید، ضربان قلبش چند برابر شد و عرق سردی بر پیشانی‌اش نشست. او هنوز هم نمی‌داند که چگونه مسیر چندکیلومتری تا بیمارستان را با سرعتی عجیب طی کرده و وقتی فرزندش را باندپیچی شده روی تخت بیمارستان دیده، فکر کرده که دیگر همه‌چیز تمام‌شده است.

قرار دوستانه

فریبا رنجبر، مادر خانواده، خانه‌دار است. او نیز هجدهم بهمن‌ماه سال ۱۹۹۱ او هیچ وقت فراموش نمی‌کند. می‌گوید: آن موقع به‌دلیل شیوع کرونا همه کلاس‌ها به‌صورت آنلاین برگزار می‌شد. کلاس آنلاین محمدطاه‌ها از ساعت ۹صبح تا یک و نیم بعدازظهر ادامه داشت و وقتی تمام شد پسر همسایه در خانه آمد و گفت: «خاله، مامان من خواهد دست مشتری‌ها غذا برساند اجازه می‌دهید محمد طاه‌ها با من بیاید تا تنها نمانم.» وی ادامه می‌دهد: همسایه ما آشپزخانه خانگی داشت، در خانه غذا می‌پخت و با ون غذا به‌دست‌م مشتری می‌رساند. آن موقع ته دلم راضی نبود. برای همین گفتم اگر تا بعدازظهر درس و مشق محمد طاه‌ها تمام شد عیبی ندارد. مدتی که گذشت چرتم گرفت و چون دوران پایانی بارداری را می‌گذراندم، به خواب رفتم. در این زمان «محمدطاه‌ها» از خانه بیرون رفته و با پسر همسایه به طرف خودروی ون رفته بودند. آنها برای اینکه غذاها سرد نشود داخل خودروی ون اجاق گاز گذاشته بودند.

۴قاتل که به ایستگاه پایانی رسیده بودند، سحرگاه دیروز قصاص شدند

پرونده ۴قاتل با طناب دار بسته شد



۱مکت درگیری مرگبار

مقتول پسری جوان بود که بر اثر اصابت چاقو به گردنش جان باخت. یکی از شاهدان به پلیس گفت: لحظاتی قبل یکی از اشرا محل را دیدم که یقه پسر جوانی را گرفته بود و می‌گفت تو پشت سر من حرف زده‌ای. بر سر این موضوع با هم درگیر شدند و ناگهان مرد مشرور با چاقو ضربه‌ای به پسر جوان زد و فرار کرد. مأموران با شناسایی هویت ضارب که جوانی ۲۸ساله و از اراذل و اوباش معروف منطقه بود، او را درحالی‌که چاقو به‌دست داشت در یکی از خیابان‌های پایتخت محاصره کردند. اما او پا به فرار گذاشت و قصد ورود به یک قهوه‌خانه را داشت. مأموران که حدس می‌زدند وی قصد گروانگیری را دارد با شلیک گلوله به پاهایش او را دستگیر کردند. متهم به بیمارستان منتقل شد و تحت درمان قرار گرفت. وی پس از بهبودی به دادسرا انتقال یافت و تحت بازجویی قرار گرفت و گفت: چون مقتول پشتست سرم در محل بدگویی کرده بود با او درگیر شدم و چند ضربه به او زدم اما قصد کشتن وی را نداشتم.

این متهم پس از بازسازی صحنه قتل روانه زندان شد و مدتی بعد در دادگاه کیفری پای میز محاکمه رفت. اولیای دم درخواست قصاص وی را کردند که پس از صدور حکم- مرگ وی و مهر تأیید قصات دیوان عالی کشور بر این رای صادر شده، شمارش معکوس برای قصاص این مجرم آغاز شد. ۱۷ آبان ۱۴۰۲ رأی نهی بود که برای اجرای حکم قصاص وی در نظر گرفته شد و وی سحرگاه چهارشنبه پای چوبه دار رفت و قصاص شد.

۲مکت قصاص دو همسرکش

سومین و چهارمین قاتلانی که دیروز قصاص مردی شدند، همسرانشان را به قتل رسانده بودند.

یکی از این محکومان آبان ۹۶همسر ۳۵ساله‌اش را به قتل رسانده بود. این مرد از مدت‌ها قبل از جنایت به‌خاطر اعتیاد به موادمخدر بیکار شده بود و زن جوان مخارج زندگی را پرداخت می‌کرد. این مرد ۲۴ساعت پس از قتل همسرش در منطقه گمگ کرد درحالی دستگیر شد که روی لی عابرپیاده‌رفته بود و قصد داشت با پریدن به پایین به زندگی‌اش پایان بدهد. وی در بازجویی‌ها به قتل همسرش اعتراف کرد و گفت: همسرم مدام سرش توی گوشه بود و در تلگرام جت می‌کرد. چند وقت پیش پیش را پیش را توی کیف کش کرد که باید حق طلاق را به او بدهم. من هم برای اینکه اوضاع را آرام کنم قبول کردم. از آن روز به بعد هر بار با هم دعوا می‌کردیم می‌گفت دیگر مرا نمی‌خواهد و قصد دارد از من جدا بشود. روز حادثه هم بر سر این مسائل باهم درگیر شدیم و من با سنگ و چاقوی وی را به قتل رساندم. این مرد نیز پس از محاکمه در دادگاه کیفری به قصاص محکوم و سحرگاه دیروز به دار مجازات آویخته شد تا این پرونده جنایی به پایگانی فرستاده شود.

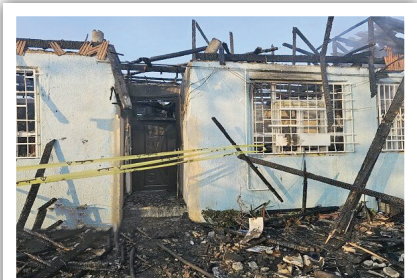
اما این تنها همسرکشی نبود که دیروز قصاص شد چرا که چهارمین و آخرین قاتلی که پرونده زندگی‌اش دیروز بسته شد، مردی بود که سال ۹۷با همسرش در خانه درگیر شده و به روی او اسید پاشیده بود. وی پس از این اقدام هولناک، همسرش را خفه کرده که پس از دستگیری مدعی شده از مدت‌ها قبل با همسرش دچار اختلاف شده بود اما دلش نمی‌خواسته او را طلاق بدهد. وی اعتراف کرد که روز حادثه پس از جدال با همسرش، تصمیم گرفت به زندگی‌اش پایان بدهد. این مرد به‌مسرحشش نیز به قصاص محکوم شد و سحرگاه دیروز در کنار ۴قاتل دیگر به دار مجازات آویخته شد.

تصادف ۱۲خودرو در شرق تهران

تصادف تریلی حامل سنگ با ۱۱خودروی دیگر در شرق تهران هرچند تلفاتی نداشت اما خسارت سنگینی برجا گذاشت. این حادثه ظهر چهارشنبه در بزرگراه شهید یاسینی اتفاق افتاد و بنا بر دلایل نامعلومی یک تریلی حامل سنگ با ۱۱خودروی سواری به‌شدت برخورد کرد.



عامل آتش‌سوزی کمپ ترک اعتیاد لنگرود دستگیر شد



لرروز پس از آتش‌سوزی مرگبار در کمپ ترک اعتیاد لنگرود در شرایطی که شمار قربانیان به ۳۳نفر افزایش پیدا کرده است پلیس از عمدی بودن این حادثه و دستگیری عامل آتش‌سوزی خبر داد.

به گزارش همشهری، باامداد جمعه ۱۱ آبان امسال در جریان آتش‌سوزی در کمپ ترک اعتیاد گاه اول راهایی لنگرود، واقع در استان گیلان ۳۲نفر از مددجویان جان باختند. مصدومان نیز که اغلب دچار سوختگی شدید شده بودند تحت درمان بودند تا اینکه یکی از آنها جان خود را از دست داد تا تعداد جان‌باختگان به ۳۳نفر افزایش پیدا کند.

شامگاه چهارشنبه سردار عزیزالله ملکی، فرمانده انتظامی گیلان با بیان اینکه متهم آتش‌سوزی کمپ ترک اعتیاد لنگرود عصر چهارشنبه توسط پلیس دستگیر شد، گفت: متهم در اعتراضات خود علت آتش‌زدن کمپ را اختلافات شخصی با مالک کمپ ترک اعتیاد اعلام کرده است.

او ادامه داد: متهم ۲۸ساله این جنایت هولناک هنگام فرار از استان در شهرستان رودبار دستگیر شد و اعتراف کرد حوالی ساعت ۱۵امداد روز حادثه با بن‌زینی که از قبل تهیه کرده بود از دیوار پشت کمپ وارد ساختمان شده و اقدام به آتش‌زدن ساختمان کمپ کرده است. متهم در اعتراف خود علت آتش‌زدن کمپ را اختلافات شخصی با مالک کمپ ترک اعتیاد اعلام کرده است. از سوی دیگر حجت‌الاسلام اسماعیل صادقی نیارکی، رئیس کل دادگستری استان گیلان از صدور قرار نظارت قضایی برای مدیر کل بهزیستی استان به لحاظ کوتاهی در انجام وظیفه و عدم نظارت بر کمپ‌ها در حادثه آتش‌سوزی کمپ ترک اعتیاد لنگرود خبر داد.

آن‌سوی مرز

«دست مرگ» پای میز محاکمه



قاتل استرالیایی که خود را «دست مرگ» نامیده و قصد داشته با کشتن بی‌خانمان‌ها در این کشور تبدیل به پرکارترین قاتل سریالی استرالیا شود به اتهام قتل ۲ بی‌خانمان و اقدام به قتل یک زندانی پای میز محاکمه قرار گرفت.

به گزارش همشهری به نقل از رسانه‌های استرالیا، کوین جیمز پتینفور ۳۸ساله در سپتامبر ۲۰۱۹ و چند روز پس از قتل یک بی‌خانمان در کوئینزلند دستگیر شد. قربانی او مردی ۵۵ساله بود که در منطقه‌ای جنگلی و درحالی‌که در خواب بود به قتل رسید. جسد این مرد زمانی پیدا شد که چند رهگذر از این منطقه می‌گذشتند. پس از دیدن کیسه‌خواب غرق درخون در منطقه‌ای تفریحی، به سمت آن رفتند و متوجه شدند مردی که داخل آن خوابیده، با ضربات چاقو به قتل رسیده است. با گزارش این ماجرا به پلیس، تحقیقات برای شناسایی و دستگیری عامل جنایت آغاز شد. مأموران برای شناسایی و دستگیری کوین جیمز پتینفور درآخذند و موفق شدند تصویری از چهره قاتل به‌دست آورند. ادامه تحقیقات، آنها را به کوین جیمز پتینفور ۳۸ساله رساند و این مرد چند روز پس از پیدا شدن جسد مرد بی‌خانمان در داخل کیسه‌خواب، درحالی‌که قصد سوار شدن به اتوبوسی را داشت که عازم سیدنی بود، توسط پلیس دستگیر شد.

متهم در همان بازجویی‌های اولیه به قتل بی‌خانمان اعتراف کرد و مدعی شد که قصد داشته جامعه را از وجود بی‌خانمان‌ها پاک کند. او درحالی‌که نام «دست مرگ» را روی خودش گذاشته بود، ادعا کرد که برای ارتکاب جنایاتش برنامه‌ای مفصل داشته است. او گفت که می‌خواسته تا زمانی که دستگیر می‌شود به قتل بی‌خانمان‌ها ادامه دهد و تبدیل به پرکارترین قاتل سریالی استرالیا شود.

کوین جیمز پتینفور پس از دستگیری به زندان افتاد اما تنها یک سال از حبس او گذشته بود که اتهامی تازه به پرونده‌اش اضافه شد؛ اقدام به قتل یکی از زندانیان. به‌گفته مسئولان زندان، این مرد با پنهان کردن یک جسم تیز و برنده زیر لباسش، به یک زندانی که ظاهراً بی‌خانمان بوده حمله و به‌شدت او را مجروح کرده بود اما بخت با این مرد یار بود که از مرگ نجات یافت. سسئنه گذشته کوین جیمز پتینفور برای رسیدگی به اتهاماتش مبتنی بر قتل ۲ بی‌خانمان و اقدام به قتل یک زندانی به دادگاه منتقل شد اما ادعا کرد که دچار بیماری روانی است و به همین دلیل دست به جنایت زده است. ادعای این مرد در حالی بیان می‌شود که پلیس از وی دست‌نوشته‌هایی کشف کرده که نشان می‌دهد او از جنایاتی که مرتکب شده پشیمان نیست و همچنان علاقه دارد بی‌خانمان‌ها را به قتل برساند. محاکمه این مرد در دادگاه ادامه دارد.